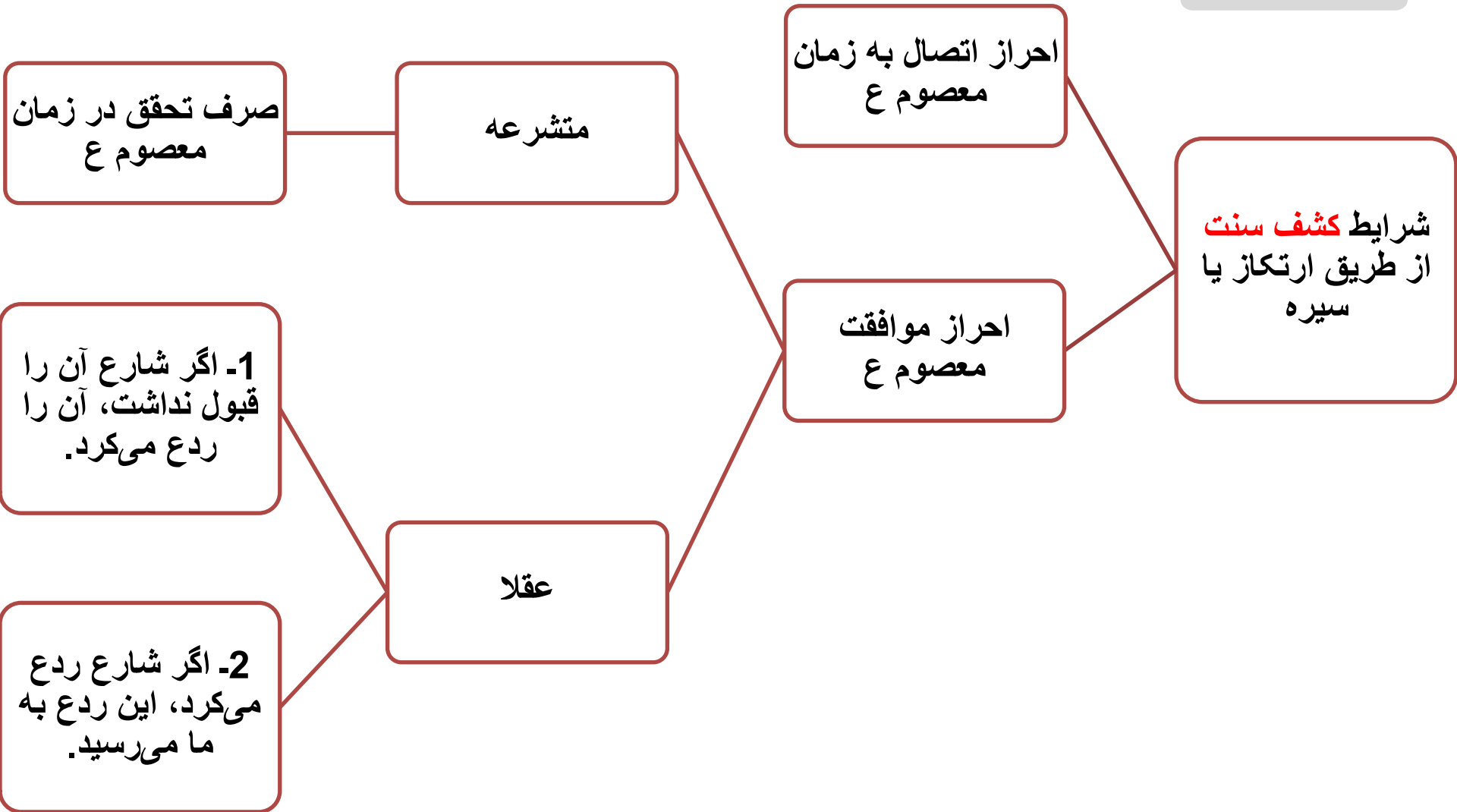


علم أصول الفقه

١٣-١٢-٩٢ حجية الظن في نفسه ٦٤

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

- وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرَ قَالَ لَأُقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (٢٧)
- لئن بسطت إليَّ يدك لتقتلني ما أنا بباسط يدي إليك لأقتلك إني أخافُ اللهَ ربَّ العالمين (٢٨)
- إني أريدُ أن تبوءَ بإثمي وِإثمِك فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (٢٩)
- فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (٣٠)



راه كشف امضای معصوم

- امضای سیره و ارتکاز عقلا
- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می فرمایند در سیره عقلا مسأله این طور نیست؛ یعنی اگر مردم زمان معصوم - علیه السلام - سیره‌ای ارتکازی دارند که برخاسته از حیثیت عقلایی آنها است، باید احراز کنیم که شارع با چنین سیره یا ارتکازی موافق است یا نه.

راه كشف امضای معصوم

- ممکن است در دورة معصوم - علیه السلام - مسلمانان سیره یا ارتکازی داشته باشند که شارع آن را قبول ندارد. و آنها به دلیل جنبه عقلایی یا عربی خود بدان ملتزم باشند.

راه كشف امضای معصوم

- بنابراین صرف اینکه عقلای زمان معصوم - علیه السلام - این کار را می‌کردند، برای اینکه آن کار شرعاً مقبول باشد، کافی نیست؛ چه رسد به عقلای زمان ما.

راه کشف امضای معصوم

- برای احراز امضاء باید دو قضیه شرطیه را به هم ضمیمه کرد:
- ۱- اگر سیره یا ارتکازی در زمان شارع وجود داشت و شارع آن را قبول نداشت، آن را ردع می‌کرد.
- ۲- اگر شارع سیره و ارتکاز زمان خودش را ردع می‌کرد، این ردع به ما می‌رسید؛ یعنی اگر واقعاً و ثبوتاً ردعی وجود داشت، حتماً اثباتاً به ما می‌رسید.

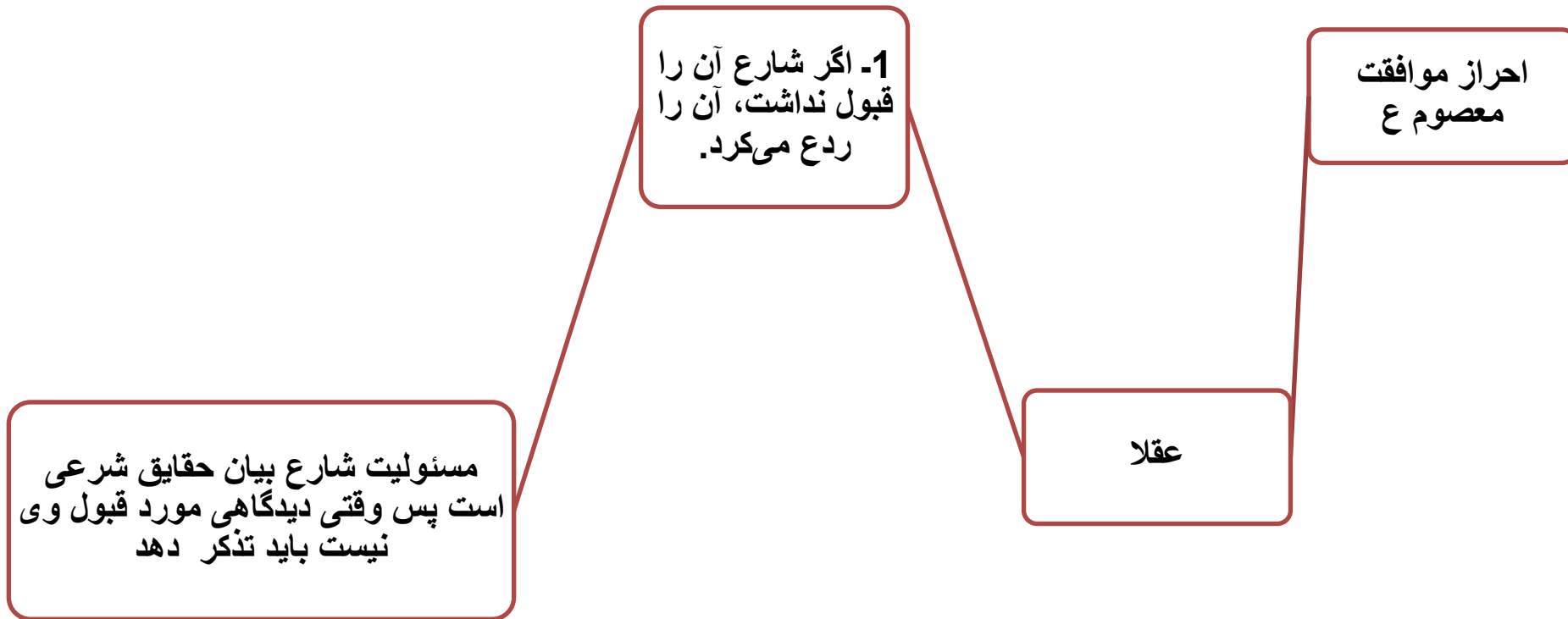
راه کشف امضای معصوم

- اگر این دو قضیه درست باشند، نتیجه می‌گیریم که شارع این سیره و ارتکاز را قبول داشته و امضاء کرده‌است.
- در مواردی دربارهٔ یک سیره یا ارتکاز نه تنها از شارع ردعی نرسیده‌است، بلکه نقل‌هایی داریم که طبق آن ائمه - علیهم السلام - چنین چیزی را تأیید کرده‌اند مثل حجیت خبر واحد، حجیت ظواهر.



راه كشف امضای معصوم

- شرطية اول: لزوم ردع شارع در صورت مخالفت با سیره یا ارتکاز
- دليل ما چيست که اگر شارع یک سیره یا ارتکازی را قبول نداشت،
حتماً ردع می‌کرد؟
- شهيد صدر - رضوان الله تعالى عليه - برای این مطلب دو وجه بیان
می‌کند:



راه کشف امضای معصوم

- وجه اول
- اصولی ها معمولا به این وجه استناد می کنند. در این وجه گفته می شود مسئولیت شارع بیان حقایق شرعی است و باید دین را برای مردم توضیح دهد. این مسئولیت اقتضا می کند که وقتی مردم روشی یا دیدگاهی دارند که مورد قبول وی نیست و خلاف دین است، به آنها تذکر دهد؛

راه کشف امضای معصوم

- مثلاً سیرة عقلا بر این است که در مسائل تخصصی وقتی خودشان متخصص نیستند، به متخصص مراجعه می‌کنند؛ برای مثال کسی که در زمان شارع مریض می‌شد به کسی که در طب آن زمان تخصص داشت، مراجعه می‌کرد.

راه كشف امضای معصوم

- شارع می بیند عقلای زمان خودش از آن جهت که جزء عقلا هستند و نه از آن جهت که متشرعه‌اند، چنین سیره‌ای دارند و زمینه سرایت این سیره به مسائل شرعی وجود دارد؛ به گونه‌ای که خطری نسبت به تحقق اغراض وی داشته باشد. اینجا است که وظیفه شارع بما هو شارع این است که اگر این را قبول ندارد، بیان کند.

راه کشف امضای معصوم

- قدر متیقن این بحث جایی است که
- اولاً سیره وجود داشته باشد نه فقط ارتکاز؛ یعنی یک بروز عملی و عینی باشد نه صرفاً یک ذهنیت.
- ثانیاً این سیره به گونه‌ای باشد که حداقل احتمال سرایتش به مسائل دینی، وجود داشته باشد.
- شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - هم در مقام مثال به این قدر متیقن مثال می‌زند.

راه کشف امضای معصوم

- در غیر این مورد یعنی آنجا که سیره هست ولی زمینة سرایت به اموردینی ندارد یا اصلاً سیره‌ای وجود ندارد و فقط ارتکاز است، این بحث جای تأمل دارد.
- در فرض اول که سیره‌ای باشد و زمینة سرایت به امور دینی نداشته باشد، به لحاظ صغروی با این تردید مواجه است که آیا می‌شود سیره‌ای وجود داشته باشد که هیچ ارتباطی به حوزه دینی پیدا نکند.

راه كشف امضای معصوم

- گاهی سیره‌ای عقلائی در زمان شارع وجود دارد که زمینه ندارد که به حوزه دین سرایت کند ولی احتمال سرایتش به حوزه دین بعد از زمان شارع وجود دارد. آیا اینجا هم وظیفه شارع اقتضا می‌کند که در صوت موافق نبودن خود با این سیره را بیان کند؟

راه کشف امضای معصوم

- مثلاً فرض کنید شارع می دانست که شیعیان با وجود معصوم - علیه السلام - هرگز به غیر معصوم - علیه السلام - مراجعه نمی کنند و می دانست هر کسی سؤالی داشته باشد به طور مستقیم از او خواهد پرسید و هیچ کس از این واسطه ها نمی پرسد مگر به عنوان راوی و کسی که صرفاً عبارت معصوم - علیه السلام - را نقل می کند و هیچ نوع اجتهادی نمی کند ولی احتمال دارد بعد از معصوم - علیه السلام - این سیره به حوزه مسائل دینی سرایت کند.

راه کشف امضای معصوم

- اینکه می‌گوییم معصوم - علیه السلام - از وجود این سیره در زمان خود و احتمال سرایتش با خبر است، مقصود علم متعارف او است، نه علم غیب؛ یعنی معصوم - علیه السلام - یکی از آحاد مردم است که در آن جامعه زندگی می‌کند و از سیره‌ها و ارتکازات عقلا مطلع است و می‌داند این سیره زمینه سرایت به مسائل دینی را دارد.
- به هر حال معصومین - علیهم السلام - می‌دانستند دوران غیبتی وجود دارد و در دوران غیبت معصوم - علیه السلام - در دسترس مردم نیست.

راه كشف امضای معصوم

- اگر ارتكازی درباره یک چیز در زمان معصوم - علیه السلام - وجود داشت اما زمينه تحقق خارجی در زمان معصوم - علیه السلام - نداشت؛ هر چند زمينه تحققش در آینده محتمل بود، در اینجا مسأله چگونه خواهد بود؟

راه کشف امضای معصوم

- فرض کنید ارتکاز خرید و فروش اعضای بدن حتی در زمان معصوم - علیه السلام - وجود داشت. معصوم - علیه السلام - هم مانند هر کسی که در آن جامعه زندگی می‌کند، با ارتکازات عقلایی و سیره‌های عقلایی در بین مردم آن زمان آشنا بود و می‌دانست که ارتکاز پیش‌گفته در آن زمان زمینه ظهور ندارد اما امکان ظهورش در آینده وجود دارد. در این فضا آیا معصومین - علیهم السلام - وظیفه داشتند که در قبال چنین ارتکازی هم موضع بگیرند؛ یعنی وقتی مخالف بودند، وظیفه دارند که مخالفشان را بیان کنند؟

راه كشف امضای معصوم

- ما می گوئیم بله مقتضای مسئولیت شارع بما هو شارع این است که اگر طبق علم متعارف خود زمینه‌هایی برای گمراهی امت در حال یا آینده می‌بیند، جلوی او را بگیرد.

راه کشف امضای معصوم

- در مورد ارتکازات و سیره‌های غیر عقلایی و غیر متشرعی در زمان معصوم هم با مشکل مواجهیم؛ چون ممکن است سیره‌ها و ارتکازهای تاریخی یا قومی مخصوص گروهی باشد که در زمان معصوم - علیه السلام - زندگی می‌کنند و معصوم - علیه السلام - به دلیل اینکه مسئولیت هدایت را بر عهده دارد، اگر این سیره یا ارتکاز این قوم یا این برهه تاریخی را قبول ندارد، باید آن را ردع کند.

راه كشف امضای معصوم

- ولی این در صورتی است که آن قوم یا قبیله به گونه‌ای با معصوم - علیه السلام - ارتباط داشته باشند که - وی احساس نکند که از ردع چنین سیره‌ای به صورت مشخص و خاص بی نیاز است.

راه کشف امضای معصوم

- به عبارت دیگر طوری نباشد که معصوم - علیه السلام - با تکیه بر سایر بیاناتش در شریعت و بدون اینکه به این سیره یا ارتکاز اشاره کرده باشد، آن را ردع کرده باشد؛ زیرا ممکن است معصوم یک مفاهیمی را مطرح کرده باشد که برای ردع بعضی از آن سیره‌های قومی و تاریخی کافی هستند و احیاناً معصوم - علیه السلام - بیش از این را لازم نمی‌دیده‌است.

راه کشف امضای معصوم

- پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - بیست و سه سال زحمت کشید تا به مسلمانان بفهماند که معیار برتری خصلت‌های نیک شخصی است؛ ولی این مردم که در فضای فکری و فرهنگی عرب جاهلی بودند هنوز چیزهای دیگر را عوامل برتری می‌دانستند. داستان سقیفه یک استفاده هوشمندانه از این نوع ارتکازات مردم است که بر خلاف دیدگاه‌ها و مبانی پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بود، دیدگاه‌هایی که وی این همه بر آن‌ها اصرار کرده بود. وقتی در سقیفه خلیفه اول را انتخاب کردند، استدلالشان این نبود که این شخص از همه با تقواتر یا عالم‌تر است، بلکه گفتند او سنش از همه بیشتر است؛ چون فضای قبیلگی بود و در یک قبیله کسی که سنش بالاتر بود، احترام خاصی داشت. به همین سبب این استدلال آن‌ها با پذیرش عمومی مواجه شد. آن‌ها می‌دانستند اگر علم، و تقوا و مانند اینها معیار قرار بگیرد، هیچ کس را با علی بن ابیطالب - علیه السلام - نمی‌شود مقایسه کرد حتی در تاریخ نقل شده‌است که خلیفه اول به علی - علیه السلام - گفت من هم دوست دارم تو خلیفه شوی ولی من چه کنم که این مردم زیر بار نمی‌روند که فرد مثل با سن کم خلیفه شود. می‌دانید علی - علیه السلام - در زمان رحلت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - سی و سه ساله بود.
- جالب است که خودشان نقل کرده‌اند که وقتی خلیفه اول به خانه رفت، پدرش گفت چه کسی خلیفه شد؟ گفت: من. پدرش چرا تو؟ گفت چون سنم از همه بیشتر بود. پدرش گفت اگر این ملاک است، پس من باید خلیفه شوم که سنم از تو بیشتر است. اگر نبود این ارتکاز، به این سادگی نمی‌توانستند در جریان سقیفه موفق شوند؛ البته از همه روش‌های ارباب و تهدید و تتمیع هم استفاده کردند. این مردمی که سقیفه را پدید آوردند، همان مردم مدینه بودند که این همه با پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نشست و برخاست کرده بودند؛ خیلی از ایشان در غدیر بودند. اما همه این‌ها تحت الشعاع یک ذهنیت قبیلگی قرار گرفت.

راه کشف امضای معصوم

- قیاس فقهی نمونه دیگری از مرتکبات عقلایی است که شارع با آن مخالفت کرده است. به لحاظ عقلایی چنین توقعی وجود دارد که وقتی دو چیزی مشابه یکدیگرند، حکمشان هم یکسان باشد در حالی که به یقین شارع با این ارتکاز و سیره‌ای مخالفت کرده است؛ ولی این ذهنیت قیاسی همچنان وجود دارد حتی در بین شیعه این را می‌بینیم که گاهی گرایش به قیاس وجود دارد.
- بنابراین معنا دارد که متشرعة زمان شارع نه از آن جهت که متشرعه هستند، بلکه از آن جهت که جزء عقلا هستند یا از آن جهت که مثلا در ساختار قبیلگی زندگی می‌کنند یا از آن جهت که عرب هستند و جهات دیگر، سیره یا ارتکازی داشته باشند که مورد پذیرش شارع نباشد.
- . بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۴۸ .
- . اشاراتی که فقها احیاناً در بحث سیره و ارتکاز دارند، خیلی مبهم است و فقط به شرطیه اول توجه دارند که اگر یک سیره و ارتکاز مورد قبول شارع نبود، حتماً آن را ردع می‌کرد.

راه کشف امضای معصوم

- . همان، ج ۴، ص ۲۴۳.
- . البته این مشکل هست که حجیت این نقل‌ها معمولاً با سیره یا ارتکاز ثابت می‌شود. همچنین حجیت استظهاری که از این‌ها می‌گردد، باید با سیره یا ارتکاز اثبات شود.
- . بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۴۳-۲۴۴.
- . شیعیان در بسیاری موارد به غیر معصوم مراجعه می‌کردند؛ چون تعداد کسانی که با معصوم - علیه السلام - ارتباط داشتند، در مقایسه با کسانی که نیاز به معصوم - علیه السلام - پیدا می‌کردند، بسیار محدود بود. فقط تعدادی از اصحاب ائمه - علیهم السلام - مستقیم با ایشان ارتباط داشتند و جمع زیاد شیعیان در سرزمین‌های مختلف هیچ ارتباط مستقیمی با ایشان نداشتند و از طریق همین اصحاب مطالب را به دست می‌آوردند. این اصحاب هم صرفاً راوی نبودند که مثل ضبط صوت عبارت معصوم - علیه السلام - را ضبط کنند تا وقتی مردم از آن‌ها سؤال می‌کنند، عین عبارت را بیان کنند، بلکه این‌ها سؤالاتی را از معصوم - علیه السلام - می‌پرسیدند و پاسخ می‌گرفتند. انگاه اگر کسی مسأله را می‌پرسید، اجتهاد می‌کردند که آیا این مسأله به آن سؤال ارتباط دارد یا نه؛ البته اجتهاد در آن زمان شکل ساده‌ای داشت. در مواردی هم مسائلی پیش می‌آمد که در بین سؤالات پرسیده شده نبودند. در این موارد با ضمیمه کردن بعضی مطالب به یکدیگر نتیجه‌گیری می‌کردند و اگر تردیدی برای آن‌ها به وجود می‌آمد، از امامان - علیهم السلام - سؤال می‌کردند و ایشان گاهی تأیید می‌کردند و گاهی تصحیح. به هر حال سیره مراجعه به غیر معصوم در مسائل دینی در زمان معصوم - علیه السلام - وجود داشت. بنابراین آنچه در مثال آمده فقط یک فرض است.
- . چون راوی بما هو راوی اصلاً لازم نیست متخصص باشد. تنها کافی است که ثقة و مورد اعتماد باشد و مطلبی را که حضرت می‌فرماید، عیناً نقل کند. چه بسا اصلاً معنای آن مطلب منقول را هم نفهمد.
- . ما در این بحث به علم غیب معصوم - علیه السلام - کاری نداریم.
- . بحث ارتکاز در این قسمت متن نبود اضافه شده.

راه کشف امضای معصوم

- علم عادی ملاک مسئولیت اهل البیت
- ممکن است کسی بگوید رسالت معصوم - علیه السلام - از یک سو، رسالتِ زمانی و مکانی نبوده است و از سوی دیگر نسبت به آینده وی علم غیب دارد و می‌داند که در آینده چنین حوادثی اتفاق می‌افتد.
- پس وظیفه دارد حتی در مقابل سیره یا اتکازی که صدها سال بعد از او پیدا می‌شود، موضع بگیرد و موافق نبودنش را ابراز کند.
- پس اگر ابراز مخالفت نکرد، معلوم می‌شود با این سیره یا ارتکاز موافق است.

راه کشف امضای معصوم

- ما این استدلال را نمی‌پذیریم؛ زیرا گرچه رسالت معصوم - علیه السلام - رسالت جهانی است و اختصاص به زمان خاصی ندارد، وی خارج از حیطة علم متعارفش مسئولیت ندارد و اصولاً بنیاد معصومین - علیهم السلام - بر این نبود که به علم غیبشان عمل کنند.

راه كشف امضای معصوم

- اگر بنا بود به علم غیبتشان عمل کنند، در خیلی از موارد باید به گونه‌ای دیگر عمل می‌کردند و مثلاً باید با بعضی از افراد که واقعاً مسلمان نیستند مثل غیر مسلمان رفتار می‌کردند؛ در حالی که چنین نکردند.

راه کشف امضای معصوم

- احياناً در بعضی از موارد فقط برای اینکه مقاماتشان معلوم شود، از علم غیب استفاده می‌کردند.
- به همین دلیل امام رضا - علیه السلام - با اینکه می‌داند انگور یا انار مسموم است، آن را خورد.
- یا علی بن ابیطالب - علیه السلام - قبل از اینکه ابن ملجم چنین اقدامی را کند، خبر می‌دهد که این شخص چنین می‌کند.

راه کشف امضای معصوم

- سرّش این است که قرار است این‌ها الگوی ما باشند و چون ما از آن علوم بهره‌ای نداریم، باید طوری رفتار و زندگی کنند که بتوانیم از آنها تبعیت کنیم.
- خداوند - تبارک و تعالی - در قرآن به این نکته اشاره می‌کند که این‌ها می‌گویند چرا خداوند - تبارک و تعالی - یک فرشته را جای تو نفرستاد.

راه كشف امضای معصوم

- خدا جواب می دهد اگر این ها فرشته بودند، برایشان فرشته می فرستادیم. اگر حتی می خواستیم فرشته ای بفرستیم، همچنان این فرشته را در قالب بشری می فرستادیم؛ چون این ها که نمی توانند از فرشته از آن جهت که فرشته است، تبعیت کنند.

راه كشف امضای معصوم

- قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا (٩٥)

راه كشف امضای معصوم

- وَ قَالُوا لَوْ لَأَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَأَنْظُرُونَ (٨)
- وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ (٩)
- وَ لَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (١٠)
- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (١١)

مسئولیت شارع بیان حقایق شرعی
است پس وقتی دیدگاهی مورد قبول وی
نیست باید تذکر دهد

1- اگر شارع آن را
قبول نداشت، آن را
ردع می‌کرد.

احراز موافقت
معصوم ع

ظهور حال

عقلا